

ادبیات فولکلور ایران

ییری سیپک

ترجمه محمد اخگری

انتشارات سروش

و

مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای

تهران ۱۳۸۴

Cejpek, Jiri

سیپک، ییری

ادبیات فولکلور ایران / مولف ییزی سیپک: مترجم محمد اخگری: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، — تهران: سروش (انتشارات صداوسیما)، ۱۳۸۴.
هشت، ۱۴۰ ص.

ISBN 964-376-366-8: ۱۱،۰۰۰ ریال

عنوان اصلی: Die Iranische Volksdichtung (persian folk literature)
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. فرهنگ عامه ایران. الف. اخگری، محمد، ۱۳۵۱. — مترجم: ب. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش. ج. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای. د. عنوان.
۲۹۸/۰۹۵۵ GR ۲۹۰/۱۵
۱۳۸۴

۸۴-۱۸۱۸۷ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان جام جم

مرکز بخش: مجتمع فرهنگی سروش، ۵-۶۶۹۵۴۸۷۰

<http://www.soroushpress.com>

عنوان: ادبیات فولکلور ایران

نویسنده: ییری سیپک

مترجم: محمد اخگری

چاپ اول: ۱۳۸۴

این کتاب در دو هزار نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۸-۳۶۶-۳۷۶-۹۶۴

فهرست

یادداشت مترجم	۱
مقدمه مؤلف	۵
مرزهای ادبیات فولکلور و ادبیات کلاسیک	۵
سیر تکامل در ادبیات فولکلور ایران	۷
اهمیت ادبیات فولکلور	۱۲
بخش اول - ادبیات فولکلور حماسی ایران	۱۷
نویسندگان دوران باستان، ناقلان موضوع‌های ادبیات فولکلور ایران	۱۷
حماسه‌های فولکلور ایران - پیش از اسلام	۲۰
موضوع‌های ایرانی که به ادبیات عربی وارد شده‌اند	۲۶
مفهوم و اهمیت حماسه‌های ادواری در ادبیات فولکلوری ایران	۲۹
افسانه‌های پهلوانی و اهمیت آنها	۳۹
کورآوغلی و موضوع‌های باقیمانده از ادبیات فولکلور ایران	۴۳
ادبیات فولکلور رمانتیک	۵۴

داستان‌ها - توسعه و روابط	۵۸
بخش دوم - ادبیات سرگرم‌کننده در ادبیات فولکلور ایران	۶۱
داستان‌های حیوانات، کلیله و دمنه	۶۱
ادبیات تعلیمی، سرگرم‌کننده و پندنامه شاهان	۶۳
عناصر ایرانی در داستان‌های هزار و یک شب و مجموعه‌های مشابه	۶۵
افسانه‌های فولکلور ایران و مسائل آنها	۷۰
ادبیات طنز فولکلور	۸۳
بخش سوم - ادبیات فولکلور مکتوب	۸۷
کتاب‌های فولکلور - آغاز چاپ	۸۷
نگاه عمومی به فولکلور مکتوب	۸۸
رمان‌های تخیلی در کتابچه‌های فولکلور	۸۹
نوول‌های چاپی فولکلور	۹۲
افسانه‌های چاپی فولکلور	۹۳
کتاب‌های تعبیر خواب و طالع‌بینی	۹۴
بخش چهارم - تأثیر ادبیات فولکلور بر ادبیات نوین فارسی و تاجیکی	۹۷
بخش پنجم - ادبیات فولکلور مذهبی	۱۰۱
ادبیات فولکلور مذهبی و ارتباط آن با ادبیات فولکلور	۱۰۱
ادبیات فولکلور مذهبی، نقطه آغاز ادبیات نمایشی در ایران	۱۰۲

بخش ششم - ادبیات نمایشی فولکلور ایران	۱۰۵
سیر تکامل تعزیه و دیگر مراسم مذهبی	۱۰۵
طنز فولکلور	۱۱۰
مسخره‌بازان ایرانی و آثارشان	۱۱۰
سایه‌بازی یا تئاتر سایه‌ای	۱۱۳
تئاتر عروسکی	۱۱۵
تئاتر خیمه‌شب‌بازی	۱۱۶
هنر نوین نمایشی و ارتباط آن با ادبیات فولکلور	۱۱۸
بخش هفتم - شعر فولکلور	۱۲۱
رباعی‌های فولکلور	۱۲۱
ترانه‌های تغزلی و حماسی فولکلور	۱۲۲
بخش هشتم - کلمات قصار و دوبیتی‌های فولکلور	۱۳۱
بخش نهم - معما و ضرب‌المثل	۱۳۳
سخن آخر	۱۳۷

یادداشت مترجم

کتاب پیش رو، حاصل پژوهش و تحقیق محقق توانمند اهل چک، آقای ییری سیپک^۱ است. این اثر در واقع برگردان قسمت پنجم مجموعه‌ای است که محقق و ایران‌شناس برجسته چک، پروفسور یان ریپکا^۲ در سال ۱۹۵۶ با عنوان «تاریخ ادبیات ایران» به زبان چکی منتشر ساخت. یان ریپکا این مجموعه ارزشمند را^۳ که بخش‌هایی از آن - و نه تمام اثر - به زبان فارسی ترجمه شده است، با همکاری محققان بزرگی در شش بخش اصلی تنظیم کرد. هریک از بخش‌های این مجموعه با نظارت وی و به همت یکی از پژوهشگران چکی به شرح ذیل تدوین گردید:

بخش اول: تاریخ ادبیات اوستایی، اثر اوتاکار کلیما^۴

بخش دوم: تاریخ ادبیات فارسی از پیدایش تا آغاز سده بیست، اثر یان ریپکا

بخش سوم: ادبیات نوین ایران در قرن بیستم، اثر ورا کوبیچک^۵

1- Jiri cejpek.

2- Jan Rypka (متولد ۲۸ می ۱۸۸۶ استاد ایران‌شناسی و زبان‌شناسی زبان‌های شرقی).

3- Dějiny Perské tádžické literatury - Praha 1965 عنوان اثر به زبان چکی.

4- Otakar Klima.

5- Věra Kubičková.

بخش چهارم: ادبیات تاجیکی، اثر یان ریپکا و ییری بچکا^۱

بخش پنجم: ادبیات فولکلوری ایران، اثر ییری سیپک

بخش ششم: نگاهی به سلسله‌های پادشاهی ایران، اثر ایوان هر بک^۲

بخش‌هایی از این مجموعه در سال ۱۳۵۴ به همت آقای شهابی^۳ برگردان و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است، در سال ۱۳۶۵ نیز برخی دیگر از بخش‌های کتاب از روی ترجمه روسی اثر به همت آقای کیخسرو کشاورزی برگردان و راهی بازار نشر شده است.^۴ بخش چهارم کتاب که ظاهراً توسط نگارنده آن آقای ییری بچکا مجدداً تنظیم شده است، در سال ۱۳۷۲ به فارسی برگردان و روانه بازار کتاب گردید.^۵

بخش ادبیات فولکلوری ایران - که تاکنون به فارسی ترجمه نشده است - از روی ترجمه آلمانی اثر مذکور به زبان فارسی برگردان شده است. ترجمه آلمانی مجموعه تاریخ ادبیات ایران با نظارت پروفسور یان ریپکا و مقدمه وی در سال ۱۹۵۹ در لایپزیک منتشر گردیده و از مقدمه آن چنین برمی‌آید که در ترجمه آلمانی علاوه بر متن چکی اصلاحات و اضافاتی نیز انجام پذیرفته است. ترجمه مذکور به همت پروفسور دکتر هایزیش ف. ی. یونکر^۶ و همکاری روبرشالک^۷ و خانم دکتر هلنا

1- Jiri Bečka.

2- Ivan Hrbek.

۳- آقای عیسی شهابی بخش‌های اول، دوم و سوم کتاب را ترجمه کرده است.

۴- آقای کشاورزی بخش‌های اول، دوم و چهارم کتاب را به فارسی برگردان نموده است (انتشارات گوتنبرگ و جاویدان فرد)، ۱۳۷۰.

۵- آقایان سمید عبانزاد هجران دوست و دکتر محمود عبادیان اثر مذکور را با عنوان ادبیات فارسی در تاجیکستان به فارسی ترجمه کرده‌اند (مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۲).

6- Prof.Dr.Heinrich F.J.Junker.

7- Robert Šálek.

تورکودا^۱ انجام پذیرفته و انتشارات وب اوتو هاراسوویتس^۲ آن را به زیور طبع آراسته است.

یان ریپکا در مقدمه‌ای که به تاریخ دهم سپتامبر سال ۱۹۵۹ بر ترجمه آلمانی اثر نوشته، شیوه پژوهش همکارانش را در این مجموعه چنین توصیف می‌کند:

«پژوهش ما تا حد امکان بر مبنای منابع و نتایج پژوهش‌های ایران‌شناسی در روسیه و بلوک شرق و نیز مشرق‌زمین انجام پذیرفته و البته آثار و پژوهش‌های ایران‌شناسان غربی بی‌اهمیت و کم‌ارزش پنداشته نشده است. اما نگاهی گذرا به فهرست مطالب کتاب این نکته را بر مخاطب آگاه، روشن می‌سازد که ما روش و شیوه‌ای نو را در این اثر طی نموده‌ایم»^۳

بررسی بخش ادبیات فولکلوری ایران و ارجاعات پژوهشگر و مؤلف این بخش آقای ییری سیپک مؤید گفتار یان ریپکاست چرا که پژوهشگر در این اثر و در پژوهش‌های خود به آثار ترجمه شده فولکلور ایران توسط شرق‌شناسان روسی و نیز پژوهش‌های آنان در این زمینه نظر داشته است. نام آثار شرق‌شناسان روسی چون چیرمونسکی، عثمانف، کلیموویچ، روماسکوویچ، نوردزائف، گالونف، ژکوفسکی، کراچکوفسکی و... در پانویس‌ها بسیار به چشم می‌خورد. البته نگارنده از آثار ایران‌شناسان غربی چون هانری ماسه، هرمان اته، آرتور کریستنسن، دارمستر، هورن، برتلس، هورتن و... نیز بهره برده و با استفاده از این منابع به شرح و توضیح گونه‌های ادبی فولکلور در ایران و در سرزمین‌های حوزه فرهنگی ایران پرداخته است. این اثر به لحاظ نوع نگاه جامع‌نگر و روش تحقیق علمی و طبقه‌بندی موضوعی مباحث فولکلور اثری علمی و قابل اعتبار می‌نماید. مؤلف با توجه به

1- Dr.Helena Turková.

2- Veb otto Harrassowitz.

3- Geschichte der iranischen literatur, S.V.

آگاهی عمیقی که از فرهنگ و ادب ایرانی داشته، باینشی علمی - تخیلی خاستگاه برخی عناصر فولکلوری، روند شکل‌گیری و تحول تاریخی - جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی و گروه حاملان فولکلور را در ایران و حوزه‌های فرهنگ ایرانی بررسی و مطالعه می‌کند و رابطه میان ادبیات شفاهی و مکتوب و ادبیات نوین را نشان می‌دهد. نگارنده در این اثر کم‌حجم کوشیده است در هر فرصتی دست می‌دهد به تطبیق عناصر فولکلور بین ملل مختلف بپردازد. هر چند وی معتقد است که پژوهش تطبیقی در این زمینه، کاری جدید و فراگیر را می‌طلبد. پژوهشگر می‌کوشد تا اهمیت ادبیات فولکلور و نقش آن را در آفرینش‌های ادبی با نظرات ادیبانی چون ماکسیم گورکی و... تبیین نماید. از سوی دیگر نحوه بینش مؤلف به موضوع و روش تحقیق و بررسی نقادانه وی از مسائل فولکلوری در گستره وسیع فرهنگی ایران و بررسی جامع‌نگر وی بدیع و تازه می‌نماید و می‌تواند برای پژوهشگران حوزه فرهنگ مردم به‌عنوان الگوی پژوهشی مناسب مفید واقع گردد. به هر روی امید می‌رود که ترجمه این اثر بتواند در پژوهش‌های علاقه‌مندان حوزه فرهنگ مردم راهگشا باشد.

محمد اخگری

مقدمه مؤلف

مرزهای ادبیات فولکلور و ادبیات کلاسیک

مرزهای ادبیات فولکلور و ادبیات کلاسیک بسیار سیال است، به گونه‌ای که این دو نوع از ادبیات در سطحی وسیع و گسترده از یکدیگر متأثر شده‌اند. بدین سبب گاهی اوقات تشخیص آنها از یکدیگر دشوار به نظر می‌رسد.

برای تشخیص این دو گونه از ادبیات، تفاوت‌های سبکی از اهمیت زیادی برخوردارند. ادبیات فولکلور معمولاً گرایش زیادی به ساده نویسی دارد. آفرینش‌های ادبیات فولکلور از نظر زبانی با استفاده از عناصر اندکی از زبانی عربی مشخص می‌شوند، اما از آنجا که واژگان به عاریت گرفته شده از زبان عربی در میان عامه مردم کاربرد چندانی ندارد، عناصر ایرانی زبان در واژگان ادبیات فولکلور اعتبار شایانی می‌یابند.

یکی از مهمترین شاخص‌ها برای تشخیص ادبیات فولکلور از ادبیات کلاسیک، توجه به این نکته است که آیا اثر مورد نظر به صورت شفاهی (فولکلور) یا مکتوب (کلاسیک) انتقال یافته است؟ این شاخص اگر چه در ادبیات کشورهای اروپایی اهمیت زیادی دارد، اما در تشخیص مرزهای میان ادبیات فولکلور و کلاسیک ایران چندان قابل اعتنا نیست. در ایران به شکل‌ها و گونه‌هایی

برمی‌خوریم که از نظر طرح و نوع در هیچ‌یک از تقسیم‌بندی‌های ادبیات فولکلور اروپا نمی‌گنجد، چرا که بخش اعظمی از آفرینش‌های ادبیات فولکلور به صورت مکتوب درآمده و به همین شکل نیز به ما رسیده‌اند. ادبیات فولکلور نمایشی موقعیتی بینابین دارد، زیرا در کنار مطالب مکتوبی که روی صحنه اجرا می‌شود و نیز در کنار گفتارهای شفاهی اجراکنندگان، از بداهه‌گویی نیز استفاده می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت که ادبیات کلاسیک میل و ذایقه طبقه حاکم را ارضا می‌کرد و یا کارکرد آن بر اساس منافع طبقه حاکم در مبارزه با مخالفانشان بود. از سوی دیگر آفرینش‌های ادبیات فولکلور نیازهای قشر ضعیف را برآورده می‌کرد. ادبیات فولکلور تنها به ارائه تصویری یک‌بعدی و ایدئولوژیک نمی‌پردازد، بلکه در این آثار می‌توان علاوه بر محکوم کردن و نادرست خواندن خطاها و نقص‌های اجتماعی، شواهدی را یافت که به نوبه خود نوعی نقص قلمداد می‌شوند. قابل درک است که طبقه حاکم با وقوف بر اهمیت کتابت، عده‌ای را به نوشتن مأمور می‌کردند. این نوع ادبیات که بیشتر به نوعی از ادبیات مبتذل شبیه است، علاوه بر ابهام‌های فراوان می‌کوشد تا افکار عمومی طبقه ناآگاه جامعه را که حتی سواد خواندن و نوشتن هم ندارند، از موضوعات داغ روز منحرف سازد؛ اما ادبیات کلاسیک معتبر و ارزشمند نیز معمولاً به طبقه اشراف، ثروتمندان، دانشمندان و روحانیون اختصاص دارد. این موضوع از یک سو به سبب تعداد اندک نسخ و هزینه بالای کتابت بود (در روزگار جدید نیز مربوط به هزینه‌های بالای چاپ است) و از سوی دیگر، مربوط به تفاوت‌های فرهنگی و سطح سواد عامه مردم با طبقه حاکم می‌شد. برداشت ایده‌آل توده مردم از شیوه زندگی طبقات ثروتمند (ملاکان و زمین‌داران) و عادت کردن آنان به این شیوه از زندگی باعث شده بود تا حساسیت‌های آنان از بین برود و از این رو جبهه مشترک بینوایان در برابر ثروتمندان رو به ضعف و زوال نهاده بود.

از دیدگاه فرهنگی، ایران سرشار از گوناگونی زبانی است. هرچند که آموزش و پرورش موجب یکسان سازی این تفاوت‌ها شده است، اما این گوناگونی‌ها از روزگار گذشته تاکنون چه در عرصه ادبیات فولکلور و چه در ادبیات کلاسیک، مرزهای زبانی را درنور دیده است. بنابراین، به‌سختی می‌توان بین موضوع‌های ایرانی، هندی و حتی موضوع‌های شرق ترکیه مرزی قائل شد. اگر برخی از عناصر فولکلور ایران را بین‌المللی بنامیم، اغراق نکرده‌ایم. چرا که آمیزه‌ای از این عناصر را می‌توان در مناطق مختلف مشاهده کرد. اختلاط و امتزاج ملت‌ها در آسیای میانه موجب شده است تا در این مناطق کمتر آداب و رسوم و یا موضوعی را بتوان یافت که از عناصر ابتدایی و اولیه فولکلور ساکنان ایران زمین متأثر نشده باشد. این عناصر معمولاً به مناطق شرقی ترکیه نیز انتقال یافته‌اند. واقعیت آن است که ایرانیان طی قرون متمادی در مقابل هجوم بیگانگان به ویژه اقوام ترک کمتر مقاومت کرده‌اند؛ اما صرف‌نظر از علل آن، این نکته قابل تأمل است که گرچه همواره اقوام مورد هجوم از نظر زبانی مغلوب شده‌اند و زبان مهاجمان را پذیرفته‌اند، اما ایرانیان از نظر فرهنگی همواره یک گام از اقوام مهاجم جلوتر بودند. از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که باوجود شکست مردم ایران، ادبیات فولکلور آنان در طی تاریخ در سراسیمب سقوط قرار نگرفت. بدین سبب برخی از موضوع‌های ادبیات فولکلور به عنوان زیرساخت برخی آثار ادبی چه در حوزه ادبیات فولکلور و چه در حوزه ادبیات کلاسیک به کار گرفته شده است و به ویژه در خدمت موضوع‌های ادبی ملل شرق ترکیه در آسیای میانه قرار گرفته است.

سیر تکامل در ادبیات فولکلور ایران

یکی از دلایل اساسی و واقعی جدایی ایرانیان به دو دسته فارسیان در غرب و تاجیکان در شرق، اختلاف‌های مذهبی است. از روزگاران گذشته، ایران مرکز تشیع

بوده است، اما اهل تسنن در مناطق اطراف آمودریا سکونت داشتند.

می‌توان درک کرد که این جدایی به یک‌باره رخ نداده است، بلکه پیامد نوعی تکامل آرام زبانی است که پس از تکامل فرهنگی هر دو منطقه پدیدار شده است. جلوه این تأثیرات را در روزگار جدید بیشتر می‌توان مشاهده کرد. چرا که با شکل‌گیری زبان نوشتاری تاجیکی؛ بازگشت به منبع اولیه و طبیعی آن یعنی زبان محاوره‌ای و گویش‌های زیربنایی امکان‌پذیر شد. تفاوت‌های زبان فارسی امروزی با زبان تاجیکی بی‌شباهت به تفاوت‌های زبان آلمانی معیار و گویش‌های محلی زبان آلمانی نیست. این تفاوت‌ها به ویژگی‌های خاص زبان تاجیکی در صرف افعال، ترکیبات فعلی، واژگان، جمله‌بندی و نحو مربوط می‌شود.

قابل توجه‌تر از همه، تفاوت‌هایی است که در موضوع‌های فولکلور وجود دارد. در ادبیات فولکلور مذهبی و همچنین در داستان‌های مذهبی می‌توان گوناگونی‌های مذهبی را به شکلی برجسته‌تر مشاهده کرد. این موضوع به صورتی کم‌رنگ‌تر در حماسه‌های پهلوانی نیز نمود می‌یابد. در حماسه‌های پهلوانی، پژواک فرهنگ ایرانی پیش از اسلام شنیده می‌شود و گه‌گاه نیز این موضوع‌ها به شیوه‌ای خاص شکلی اسلامی پیدا می‌کنند. در حماسه‌های رمانتیک نیز می‌توان موضوع‌های اسلامی و یا اسلامی‌شده را یافت. دامنه موضوع‌هایی که رنگ اسلامی دارند در موقعیت‌های مختلف تغییر می‌کند. به گونه‌ای که می‌توان گاهی اوقات عدم حساسیت موضوع در یک موقعیت و تأثیر همان موضوع را در موقعیتی دیگر مشاهده کرد. احتمال می‌رود که وجود حماسه‌های ادواری^۱ یکی از علل تأثیرگذار در موضوع‌های متفاوت حماسی اساطیر پهلوانی فولکلور ایران و به طور کلی گوناگونی‌های ادبیات فولکلور باشد.

تخیل در حماسه‌های دوره‌ای، یکی از عناصری است که امکان و آزادی زیادی

۱- درباره حماسه‌های دوره‌ای در یکی از بخش‌های کتاب به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

به آفرینش‌های ادبی در زمینه پدید آمدن و انتقال موضوع‌ها می‌دهد. یافتن شواهد این ادعا بسیار دشوار نیست، چراکه می‌توان نمونه‌هایی را ذکر کرد که نشان دهنده جابجایی موضوع‌ها و انتقال آنان به ملل همسایه هستند. انتقال موضوع‌ها به روزگار قبل از فردوسی و پیش از آنکه او به گردآوری مجموعه‌ای از این حماسه‌ها بپردازد، مربوط می‌شود. این نکته را از آنجا می‌توان دریافت که غالباً در اشکال مختلف و نوشته‌های گوناگون، انگیزه و موضوع اصلی یکسان است.

انگیزه دوره‌ای کردن حماسی فقط به فردوسی و مقلدان سبک وی مربوط نمی‌شود و اگر چه تلاش آنان از دیگران با اهمیت‌تر است؛ اما تأثیر زیاد آن را می‌توان در حماسه‌های پهلوانی استیا^۱ و نیز در حماسه‌های دوره‌ای تاجیکی مانند کورواغلی مشاهده کرد. با وجود این، در هیچیک از این آثار انسجام و ارتباط موجود در شاهنامه مشهود نیست. تأثیرات غیر قابل مقایسه دوره‌ای شدن حماسی برای ما آموزنده است. چراکه می‌تواند پرده حایل میان شاهنامه و حماسه‌های مشابه را با سطوح مختلف آن روشن سازد.

رمانتیک و اروتیک در ادبیات حماسی همگام با هم بروز می‌کنند. همچنین می‌توان در اینجا موضوع‌های زیادی از ادبیات فولکلور را یافت که طی روزگاران متمادی گردآوری شده‌اند و چه در ادبیات کلاسیک و چه در ادبیات فولکلور دگرگونی‌های زیادی یافته‌اند.

پیامد زندگی اجتماعی فتودالی در ایران، پدید آمدن نوعی رمان شهسواری بود که نشانه‌های تأثیر آن بر ادبیات فولکلور غیر قابل انکار است. این رمان‌ها در آغاز به صورت شفاهی و بعدها به صورت مکتوب و در روزگار جدید به شکل چاپ شده، انتقال یافته‌اند. داستان‌ها را نیز می‌توان به عنوان گونه‌ای از ادبیات به حساب آورد

۱- استیا (Osseten) منطقه‌ای در مرز گرجستان و روسیه است که زبان آنها یکی از لهجه‌های سندی از خانواده زبان‌های ایرانی است.

که حد واسط حماسه و ادبیات سرگرم‌کننده هستند.

ادبیات سرگرم‌کننده غالباً به سبب اهداف تربیتی مورد توجه است. این‌گونه از ادبیات در دوره‌های مختلف هم مطلوب طبع طبقه حاکم و هم مطابق سلیقه مردم عادی بوده است و البته تفاوتی نیز ندارد که این نوع از ادبیات در قصه‌های حیوانات مانند کلیله و دمنه یا طوطی نامه به دنبال اهداف تربیتی باشد و یا اینکه در داستان‌هایی نظیر «هزار و یک شب» به موضوع دیگری بپردازد. همه این نمونه‌ها حتی اگر به صورت مکتوب انتقال یافته باشند و حتی با وجود توسعه و تکامل برخی از موضوع‌ها و کم رنگ شدن برخی از موضوع‌های منحصر به فرد دیگر، به ادبیات فولکلور شباهت زیادی دارند. در بررسی ادبیات فولکلور، گونه‌های مختلف و بی‌شمار افسانه‌ها و حکایت‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند، چرا که جزو منبع اصلی ادبیات فولکلور به حساب می‌آیند.

توضیح و شرح ویژگی‌های کتابچه‌های داستان^۱ نیز بسیار دشوار است. شاید از دلایل عمده آن، این موضوع باشد که این نوع از ادبیات فولکلور نه در گذشته، بلکه در زمان حال یعنی زمانی که تازه به رشد و تکامل خود رسیده بود، منقرض شد. متأثر شدن این آثار از اسلام، از جمله ویژگی‌های آنها به حساب می‌آید. به گونه‌ای که حتی تأثیر آن را به شکلی اعجاب‌آور در دیگر آثاری که حتی قبل از اسلام به وجود آمده‌اند نیز می‌توان مشاهده کرد (به عنوان مثال شخصیت رستم در برخی داستان‌ها اسلامی شده است).

در این میان نقش ادبیات فولکلور مذهبی نیز چشمگیر است. چرا که این نوع از ادبیات به مثابه پایه و اساسی در خدمت رهبران مذهبی شیعه قرار گرفته است. تعزیه نمونه‌ای از این ادبیات است که شبیه نمایشنامه‌های نوشته شده درباره رنج‌های عیسی (ع) است. داستان‌های تعزیه آداب و رسوم مختلفی را در خود

۱- درباره کتابچه‌های داستان در یکی از بخش‌ها توضیح کامل داده شده است.

گنجانده‌اند که با ویژگی دراماتیک آن نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. چامه‌های پهلوانی و رجزخوانی جنگاوران در ادبیات تاجیکی متفاوت از چامه‌های ادبیات فارسی است. چرا که این اشعار در ایران آهنگ و نوایی شیعه‌گونه دارند. این تفاوت‌ها شگفت‌آور نیست، زیرا آداب و رسوم ملل در ارتباطی تنگاتنگ با شیوه زندگی، فرهنگ و ایدئولوژی آن ملل قرار دارد. در برابر؛ سروده‌های شعرگونه فولکلور تا آنجا که موضوع آنها مذهب نباشد، به کلی از تأثیرات مذهبی عاری مانده‌اند.

به هر حال، باید این واقعیت را پذیرفت که نمی‌توان انواع مختلف ادبیات فولکلور را از یکدیگر به طور کامل تفکیک کرد، چرا که برخی از موضوع‌ها زیاد استعمال شده‌اند و گاهی نیز در موقعیت‌های مختلف به اشکال گوناگون نمود یافته‌اند (به عنوان نمونه، شخصیت حضرت علی (ع) در تعزیه‌ها و داستان‌های حماسی و یا شخصیت رستم در حماسه‌ها، داستان‌ها و اساطیر). در برخی از موقعیت‌ها نیز این ارتباطات اتفاقی است. در برخی مواقع نیز قهرمانان بنام و مشهور خصوصیات رمانتیک و تخیلی می‌یابند. بخش عمده‌ای از این روایات افسانه‌ای نیز با حماسه دوره‌ای ارتباط ندارند.

در اینجا موضوع‌هایی یافت می‌شوند که از شهرت عام برخوردارند و نام قهرمان (به عنوان رستم) گروهی از ویژگی‌های مانوس با ذهن مخاطب را همراه با وقایع و ماجراهای پهلوانی به ذهن او تداعی می‌کند. و به دنبال آن، داستانی که به تازگی بازگو شده است در ذهن او جای می‌گیرد. با توجه به این موضوع، این نکته نمودار می‌شود که شاید در اطراف هسته اصلی این داستان‌های تاریخی، داستان‌های غیر تاریخی دیگری نیز پدید آمده‌اند و به نظر می‌رسد که داستان‌های بعدی، هسته اصلی را کنار زده‌اند و بدین سبب، هسته داستان اندک اندک به بوته فراموشی سپرده شده است.

اهمیت ادبیات فولکلور

متأسفانه ادبیات فولکلور آن گونه که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. در فرایند توسعه جامعه بشری می‌توان دوره‌هایی را یافت که ادبیات مردمی به دیده حقارت نگریسته شده است. در این دوره‌ها ادبیات کلاسیک به عنوان جلوه بارز هنر مورد توجه بوده است. غافل از آنکه ادبیات فولکلور تا چه حد در آفرینش‌های ادبیات کلاسیک مؤثر بوده است و ادبیات کلاسیک به آن مدیون است.

تعداد موضوع‌های خاص و گره‌های تراژیک و نقطه‌های بحران در ادبیات تقریباً محدود است و از این رو می‌توان گفت که در ادبیات سایر ملل نیز چنین موضوع‌هایی یافت می‌شود. البته نمی‌توان تنها به تأثیر بی‌قید و شرط و یا استفاده از همان منابع اولیه اکتفا کرد. «گراف شاک»^۱ در مقدمه‌اش بر افسانه‌های پهلوانی فردوسی به این نکته اشاره می‌کند که شخصیت‌ها و تیپ‌های ابتدایی و اولیه همواره تکرار می‌شوند.

البته باید این موضوع را مدنظر داشت که گاهی اوقات برخی از آثاری که موضوع‌های یکسان دارند، اگرچه ممکن است از نظر زمان یا مکان فاصله زیادی با یکدیگر داشته باشند؛ اما از نظر شکل ظاهری، ترکیب، شیوه کنار هم قرار دادن وقایع یا تصاویر تیپ‌های شخصیتی و یا روانشناسی تک تک افراد و جزئیات با هم مطابق هستند. توجه به این شباهت‌ها و همانندی‌ها برای ملت‌هایی که از نظر زبانی دارای منشأ یکسان و یا از گذشته‌های دور در ارتباطی نزدیک با یکدیگر هستند، بسیار اهمیت دارد.^۲

ادبیات فولکلور تنها به ارائه آثار گذشته محدود نمی‌شود، بلکه آفرینش دوباره

1- Graf Schack.

2- Ethé, Essays und Studien 256.

آثار ادبی را نیز شامل می‌شود.^۱ ادبیات فولکلور از گذشته تاکنون به طور مستمر و عجیب با تاریخ بشر همگام بوده است. ماکسیم گورکی^۲ با اشاره به اهمیت ادبیات گذشته می‌گوید: افسانه‌های قدیمی، اسطوره‌ها و داستان‌ها برای ما آشنا به نظر می‌رسند، اما درک عمق مفهوم اولیه آنها بسیار ضروری است. تلاش انسانهای ماقبل تاریخ برای آسان کردن کارها، بالابردن تولیدات و مبارزه با دشمنان چهارپا بود. آنان در مبارزه خود از قدرت کلام و سوگند خوردن به عناصری که آنان را در مقابله با مظاهر خصمانه طبیعت یاری می‌داد، بهره می‌جستند. این موضوع از آن جهت در خور توجه است که عمق اعتقاد انسان را به قدرت کلام نشان می‌دهد. گورکی همچنین این نکته را یادآور می‌شود که اگر چه انسان در ادبیات فولکلور باید با زندگی مبارزه کند، اما ادبیات فولکلور با بدبینی بیگانه است. او می‌گوید که بدون شناخت ادبیات فولکلور، شناخت تاریخ ملت‌ها ممکن نیست.^۳ در عصر پیشرفت بی وقفه جامعه بشر، ادبیات فولکلور، آمال فرهنگی و هنری مردم را برآورده می‌سازد. موضوع‌های ادبیات فولکلور، موضوع‌هایی واقعی هستند، زیرا زمانی که خطر انسان را تهدید می‌کند، باید آموزش دهد، راهنمایی کند، و به انسان جرئت و صبر بدهد. از این رو، موضوع‌های ادبیات فولکلور با اوضاع روزگار مطابقت دارند، اما هنگامی که خطر از بین برود و زندگی توأم با آرامش شود، انسان به موضوع‌های تخیلی و ایده‌آل روی می‌آورد.^۴ از آنجا که ادبیات فولکلور بخشی از ادبیات را شکل می‌دهد، بنابراین از قواعدی پیروی می‌کند که آن قواعد برای توسعه ادبیات کلاسیک نیز دارای اعتبار هستند و همانند ادبیات کلاسیک در دایره اجتماع رشد

1- Žirmunskij, Problema fofklora 200.

2- Maxim Gorkij.

3- Čuvašskije skazki 10.13.15; Skazkii legendy Tatař kryma, Vsrupitel'nija stařija 13.

4- Plotnikov, Jangal maa 14-16.

می‌کنند و تغییرات آن را نیز به تصویر می‌کشند.^۱

موضوع‌های ادبیات فولکلور برای تمام اعصار تداعی‌کننده قابلیت‌های ویژه نوعی زندگی هستند. برای مثال، ادبیات تاجیکی حتی در نمایشنامه و یا اپرا نیز از موضوع‌های ادبیات فولکلور متأثر است.

حتی برخی از بخش‌های ادبیات فولکلور می‌توانند به عنوان ابزاری در به‌دست‌آوردن تاریخ ادبیات مورد استفاده قرار گیرند. چرا که حکایات و لطایف بسیاری درباره برخی از شخصیت‌های ادبی نظیر فردوسی، ناصر خسرو، مشفق، نوایی و دیگران در ادبیات فولکلور وجود دارد. این حکایات از نظر فرهنگی و تاریخی از ارزش و اهمیت والایی برخوردارند.^۲ جایگاه ادبیات فولکلور به‌عنوان سند تاریخی و تقریر وجدان ملی جوامع بشری شایان توجه است. از جمله آثاری که در این میان از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است و خوشبختانه به دست ما نیز رسیده است، روایتی سفدی از زندگی پادشاه سفدیان و دخترش، شاهزاده زرینه است. به نظر می‌رسد که این داستان بخشهایی از بازمانده‌های ادبیات فولکلور سفدی است. «زرینه» شخصیتی تاریخی دارد که «کتسیاس»^۳ نامش را در یکی از قطعات نیمه‌تمامش آورده است. این موضوع‌های حماسی به حدود ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد و گویا هنگام نظم‌شاهنامه این موضوع‌ها چندان مطرح نبوده است.^۴

شخصیت‌های مؤنث در ادبیات فولکلور به گونه‌ای متضاد با واقعیت‌های زمان و مانند روزگاری که هنوز روابط زورمدارانه وجود نداشت، ظهور و نمود می‌یابند.

1- Skazki i legendy Tatar kryma.

2- Klimovič, Chrestom. Po Lit. narodov SSSR 23, 104, 108, 776ff.

3- Ktesias.

4- Antologija tadzikaskoj poezii - 23, 30. 579.

ادبیات فولکلور زن را می‌ستاید و برای او جایگاهی را در نظر می‌آورد که از عصر مادر سالاری بدین سو شاهد آن نبوده‌ایم. البته ناگفته نماند که این موضوع به روزگاری تخیلی و غیر واقعی مربوط نمی‌شود، بلکه از نظر تاریخی نیز معتبر است. چرا که تاریخ نیز گواه این است که زن در روزگاران گذشته آن گونه که ما تصور می‌کنیم فاقد حق نبوده است.^۱

بنابراین، نظریه گورکی مبنی بر اینکه باید ادبیات فولکلور را گردآوری کرد و آموخت، درست است.^۲ چرا که این ادبیات آیین زندگی واقعی انسان‌هاست و به همین سبب است که ادبیات مدرن تاجیکی متأثر از ادبیات فولکلور است.^۳ مطالعه و پژوهش نظام‌مند درباره ادبیات فولکلور کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و دیگر مناطق به محققان ایرانی که در غرب زندگی می‌کنند، این امکان را می‌دهد که به ادبیات کشورشان مراجعه کنند و آن را چون گذشته ارتجاعی نخوانند و به دیده تحقیر ننگرند. موزه مردم‌شناسی تهران به همین انگیزه در سال ۱۳۱۲ راه اندازی شد. در این موزه تعداد زیادی از اسناد مربوط به فولکلور گردآوری شده است. جای تأسف است که در نسخه‌های کپی‌برداری‌شده این موزه، اکثر مشخصات از جمله، خاستگاه، و لهجه نامشخص است و این موضوع از ارزش آثار به میزان زیادی کاسته است.

صادق هدایت در اثر خود با عنوان نیرنگستان^۴ به شناسایی و تحقیق درباره فولکلور ایران پرداخته است. کوهی کرمانی نیز از جمله گردآورندگان فولکلور ایران است.

1- Klimovič, a.a O, 789.

2- SK. ileg. Tatar Kryma 9.

3- Antol, tadz, poezii 9, 21.

4- Kisljakov, sadek chedajat.